

وقتی که آدمها به هیچ ملاک سیاسی پای بند نیستند!!

رضا مقدم و مبارزه طبقاتی!!

رضا مقدم در نوشته ای تحت عنوان «ارزیابی از کمیته هماهنگی»!! مطالبی به هم بافته است که نقطه آغاز تا پایان آن، بر خلاف تیتز دروغینی که برایش انتخاب کرده است، سوای مشتکی فحاشی، تهمت، دروغ و توسل به شیوه های تحریف آمیز در جدال علیه فعالین جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر هیچ چیز دیگری نیست. تمام حرفهای رضا مقدم با تمامی طول و تفصیلش در این نوشته را، می توان در چند عبارت جمع بندی کرد. او می گوید که: فعالین جنبش لغو کار مزدی " احزاب کمونیست و سوسیالیست!! را مانع اساسی سازمانیابی طبقه کارگر ایران تلقی نموده اند و در صف مخالفان این احزاب قرار گرفته اند!!" " این فعالین با انتقاد از اتحادیه های کارگری بین المللی به جنبش کارگری آسیب اساسی می رسانند!!" " اینان از مبارزات کارگران شرکت واحد دفاع نکرده اند و حامی مبارزات کارگران نیستند!!" «نقل به مضمون»

از ابتدا تا انتهای نوشته رضا همین چند جمله برای برجسته و القا کردن آنها، بکرات تکرار شده اند و خواننده حرفهای وی به راحتی تشخیص می دهد که تیتز مطلب و ضمام، همگی صغری و کبرای عبارات فوق الذکر میباشد. در پاسخ رضا من به چند سطر اکتفاء می کنم. بر خلاف حالت بسیار هیستریک و خصمانه ای که او در مقابل فعالین جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر اتخاذ کرده است، من بسیار دلسوزانه و از سر دوستی این نکات را با وی در میان می گذارم. این کار را انجام می دهم زیرا ریشه انحرافات سیاسی امثال رضا ها را به هر حال در موجودیت نظام بشرستیز سرمایه داری می بینم. هر چه هستند و هر تیشه ای که به ریشه جنبش سرمایه ستیز طبقه کارگر زده و می زنند و هر خدمت ناخواسته ای که به سرمایه داری جهانی می کنند، به هر حال ناشی از نظام سرمایه داری است که حتی به امثال رضا هم رحم نمی کند و آنان را به چنین وضعیت سیاسی و آشفته ذهنی می اندازد.

رضا می گوید که فعالین لغو کار مزدی " احزاب سوسیالیست و کمونیست را سد راه سازمانیابی طبقه کارگر دانسته اند پس آنها ضد احزاب سوسیالیست و کمونیستند!!" فعالین لغو کار مزدی هیچکدام از احزاب چپ تاریخ ایران را حزب کمونیست و سوسیالیست طبقه کارگر ندانسته و نمی دانند. نخستین جریان موسوم به «حزب کمونیست ایران»!! حزبی خواستار ادغام طبقه کارگر ایران در امپریالیسم ستیزی ناسیونالیستی، استقرار پایه های صنعت مستقل ملی و رشد آزاد سرمایه داری، حکومت خلق، بسیج کارگران در عرصه مبارزات سندیکالیستی و تبعیت آنها از سیاست های فوق می شد. دفاع رضا از این سیاست ها دفاع از منافع یک بخش بورژوازی و مبین عشق او به منحل شدن در مجادلات میان بخشهای مختلف بورژوازی به نفع یک بخش و علیه طبقه کارگر بین المللی است، دفاع رضا گیرم ناخواسته، دفاع از بورژوازی علیه کمونیسم است.

حزب دومی که زیر نام چپ در تاریخ ایران ظاهر شده است و وجود کثیف خود را بر جنبش کارگری ایران تحمیل نموده است، حزب ضد کارگر و ضد کمونیست «توده» است. حمله هیستریک رضا مقدم به فعالین ضد کار مزدی که گویا این فعالین به " احزاب سوسیالیست و کمونیست " تاریخ ایران حمله کرده اند، بخواهد یا نخواهد، بفهمد یا نفهمد، دفاع سرسختانه از این حزب کثیف است. رسیدن رضا به این مرحله از نظر سیاسی، همیشه قابل پیش بینی بوده است.

جریان دیگری که خود را حزب کمونیست ایران نامیده است، حزبی است که رضا مقدم هم زمانی عضو آن بوده است. خود رضا چند سال بعد اعلام داشته است که این حزب ظرف ابراز وجود ناسیونالیسم کرد است و وجود آن برای سازمانیابی طبقاتی کارگران مضر است. حزب بعدی که در این فحشنامه مورد حمایت رضا است علی‌الاصول باید جریان موسوم به «حزب کمونیست کارگری» باشد که من هم متأسفانه مدت کوتاهی عضو آن بودم. رضا هنگام خروج از این حزب نیز آن را پروژه ای شکست خورده و مضر به حال طبقه کارگر اعلام کرده است.

فعالین لغو کار مزدی در نقد جریانات چپ همواره به صورت بسیار شفاف و مستند دیدگاهها، راهبردها و راه حلها را آماج انتقاد گرفته اند. آنان به ایراد و انتقاد از این گروه و آن گروه، این محفل و آن محفل، این سکت و آن سکت از جمله سکت حقیر امروزی رضا مقدم نپرداخته اند، فعالین لغو کار مزدی به هیچ جریانی حمله نکرده اند، بد هیچ گروهی را نگفته اند. آنان سیاست ها، افقها و راهبردهای مضر به حال جنبش ضد سرمایه داری و سوسیالیستی طبقه کارگر را مورد انتقاد قرار داده اند. فعالین لغو کار مزدی، رفرمیسم راست منحط سندیکالیستی را به عنوان ظرف انحلال جنبش کارگری در باتلاق مناقع سرمایه داری جهانی به نقد کشیده اند. برای کارگران کاملاً مستدل، با اتکاء به ماتریالیسم انقلابی مارکس توضیح داده اند که جمهوری خلق؛ صنعت مستقل ملی، امپریالیسم ستیزی ناسیونالیستی؛ حق تعیین سرنوشت ملی، دموکراسی طلبی خلقی، خودمختاری خواهی و امثال اینها مسائل طبقات و جنبشهای غیرکارگری بوده و هستند و تحمیل آنها بر جنبش کارگری صدمه ای سنگین بر جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر وارد ساخته است. فعالین لغو کار مزدی در این راستا درخشان ترین ادبیات کمونیستی و مارکسی و کارگری را به طبقه کارگر عرضه کرده اند. مطالبی که امثال رضا با ذهنیت سکناریستی رفرمیستی خویش، هیچگاه قادر به درک آن نشده و نمی شود.

رضا مقدم به فعالین لغو کار مزدی حمله می کند که چرا اتحادیه های بین المللی را نقد می کنند. اتحادیه های کارگری جهانی مورد دفاع رضا مقدم دقیقاً همان اتحادیه های هستند که در طول قرن گذشته جنبش کارگری را کاملاً در مرداب تسلیم و تمکین به ماندگاری سرمایه داری فرو برده اند. در مواردی ابزار دست پنتاگون و سیا و بورژوازی جنایتکار امریکا در سازمان دادن سیاهترین و ضد بشرترین کودتاها علیه کارگران و مردم فرودست دنیا بوده اند. در مجادله میان دو قطب متخاصم دنیای سرمایه داری همواره جنبش کارگری جهانی را به ابزار دست یک قطب علیه قطب دیگر مبدل کرده اند، علیه کمونیستها و فعالین ضد سرمایه داری طبقه کارگر به هر جنایتی متوسل شده اند و از هیچ خدمتی به بورژوازی دریغ نکرده اند. حمایت رضا مقدم از این اتحادیه ها بیش از اندازه مایه تاسف و اشمئزاز است.

رضا مقدم دروغ را به شیوه «گوبلز» دنبال می کند. او به فعالین ضد سرمایه داری و لغو کار مزدی، تهمت می زند که گویا از مبارزات کارگران شرکت واحد دفاع نکرده اند. دفاع فعالین لغو کار مزدی و ضد سرمایه داری از مبارزات کارگران شرکت واحد سند بسیار ارزنده ای برای آموزش امثال رضاها است هر چند که عقل آنها توسط سرمایه قفل شده باشد. فعالین لغو کار مزدی از مبارزات کارگران شرکت واحد بسیار گسترده و قاطعانه حمایت کردند و در همان حال رفرمیسم راست سندیکالیستی غالب بر آن را مورد انتقاد قرار دادند.

رضا مقدم می گوید که فعالین لغو کار مزدی نقش دیکتاتوری و سرکوب و توحش رژیم ها در جلوگیری از سازمانیابی جنبش کارگری را کمرنگ کرده اند!! این بزرگترین دروغ و افتراء است. ما همه جا از دیکتاتوری هار بورژوازی به عنوان یک مانع اساسی این سازمانیابی به تفصیل حرف زده ایم و همزمان نقش رفرمیسم چپ فرقه گرا و رفرمیسم راست سندیکالیستی در این رابطه را نیز افشاء کرده ایم. ما در مقالات متعدد و مشروح توضیح داده ایم که رژیم ستیزی

فراطبقاتی نه راهبرد طبقاتی جنبش کارگری که راهکار اپوزیسیونهای بورژوازی است. جنبش کارگری باید مبارزه علیه دولت بورژوازی را بر بستر مبارزه علیه اساس سرمایه داری پی گیرد.

رضا مقدم در دفاع ناشیانه از رفرمیسم منحط راست سندیکالیستی و رفرمیسم چپ فرقه گرا ادعا می‌کند که عدم موفقیت طبقه کارگر ایران در سازمانیابی جنبش خویش هیچ ربطی به رفرمیسم راست و چپ ندارد. او رفرمیسم راست و چپ را احزاب کمونیست و سوسیالیست طبقه کارگر می‌داند!! اتحادیه های کاملاً دستیار سرمایه جهانی و علیه جنبش ضد سرمایه داری کارگران را ظرف تشکل طبقاتی کارگران جلوه می‌دهد. او مدافع سرسخت ضد کمونیست ترین اتحادیه هاست و در همین راستا به ما خرده می‌گیرد که چرا رفرمیسم چپ فرقه گرا و رفرمیسم راست اتحادیه ای را برای سازمانیابی جنبش کارگری مضر می‌دانیم. رضا و رضاها باید به یک سؤال پاسخ دهند. این سؤال که اگر مانع سازمانیابی ضد سرمایه داری طبقه کارگر فقط دیکتاتوری است، پس چرا در کل ممالک اروپای غربی و شمالی، کانادا، امریکا و جاهای دیگری که دموکراسی مطلوب و ایدئال امثال رضاها وجود دارد، تا امروز هیچ جنبش کارگری ضد سرمایه داری و کمونیستی نیرومندی شکل نگرفته است؟! حرص و جوش هیستریک رضا برای استنثار نقش رفرمیسم راست و چپ در جلوگیری از سازمانیابی ضد کار مزدی کارگران دنیا مستقل از اینکه ایشان بخواهد یا نخواهد کاملاً به نفع بورژوازی جهانی تمام خواهد شد. او نمی‌تواند این نقش ضد کمونیستی و ضد کارگری را با دروغپردازی و افتراء پیرامون بی‌توجهی فعالین ضد کار مزدی به نقش مخرب دیکتاتوری در متشکل شدن کارگران، پنهان کند.

در پایان یادآوری نکته دیگری را هم به رضا و امثال ایشان لازم می‌دانم. فعالین لغو کار مزدی در همه زمینه های مربوط به جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر و کلاً مبارزه طبقاتی کارگران مطلب نوشته اند. رضا اگر حرفی دارد و اگر فهم سیاسی او اقتضاء می‌کند می‌تواند با این مسائل برخورد کند. اگر او چنین نماید به طور قطع با استقبال ما مواجه خواهد شد. مسأله اساسی این است که رضا به جای این کار بسیار ناشیانه به کاهدان زده است. او قادر به هیچ نقدی بر نظرات فعالین ضد سرمایه داری برای لغو کار مزدی نیست. لاجرم راه دشمنی با جنبش ضد سرمایه داری را این دیده است که فعالین این جنبش را متهم به کمرنگ نمودن مبارزه با دیکتاتوری کند!! رضا هنگام طرح این حرفها میدانند که دروغ می‌گویند زیرا از آنچه که فعالین ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی در مبارزه علیه دیکتاتوری و جنایات دولت های سرمایه داری تحمل نموده اند، با اطلاع است و همچنین این را نیز میدانند که اکثر کسانی که همیشه فقط لیبرال بودن در احزاب و سازمانهای چپ سکتاریستی مورد دفاع ایشان، مهمترین مسله اشان بوده و هست، تحمل یک لحظه آن را نداشته و نخواهند داشت.

به باور من تمام هم و غم رضا از این گونه برخورد های غیر سیاسی و تحریف آمیز با فعالین گرایش ضد سرمایه داری جنبش کارگری تحت لوای «باز بینی و تصحیح نکات حیاتی در کمیته هم آهنگی»، مشخصاً ایجاد تفرقه در کمیته هم آهنگی در ایران و در این راستا از هم پاشاندن آن است. این تلاش مخرب رضا ناشی از ضدیت ایشان با گرایش ضد سرمایه داری و کمونیستی جنبش کارگری می‌باشد که این نیز ریشه در گرایش ژرف سکتاریستی و رفرمیستی رضا دارد که هیچ وقت حتی ب فکر گسست از این سکتاریسم و رفرمیسم چپ نبوده و متأسفانه این گونه به نظر می‌رسد که هیچگاه نخواهد بود.

جمشید کارگر

2007 مارس - 15

